

Mineralogical studies of Darreh – Zerreshk copper deposit SW of YAZD

A. H. Kohsary^{*}, A. H. Ansari, K. Alamdar

Mining & Metallurgy Engineering department, Yazd University

(Received: 17/11/2008, in revise form: 14/5/2009)

Abstract: Loco-granite and granodiorite intrusive bodies have cut the Naiband and Sangestan Formations in Darreh-Zerreshk area in southwest margins of Shirkooh batholite. This intrusion has caused weak metamorphism and copper hydrothermal mineralization in permeable Sangestan Formation. The characteristics minerals are magnetite, chalcopyrite, pyrite, bournite and dyajenite. The studied area is composed of sedimentary strata of Lower Cretaceous up to present. These rocks have been cut by a great variety of extrusive and intrusive rocks. Intrusion of porphyric granitoid of Miocene in volcanic units and Cretaceous limestone units caused Copper mineralization in different parts of studied area. In Darreh-Zerreshk, four different mineralization zones can be recognized as: oxide, leaching, supergene and hypogene. Alteration zones in Darreh- Zerreshk area are potassic, propylitic and phyllic that can be correlated with Lovell and Gilbert model. This research was carried out for mineralogical, texture and geneses studies of this ore deposit.

Keywords: *Copper Deposit Supergene, Hypogene, Lovell and Gilbert.*

^{*}Corresponding author, Tel.: +98 (0351) 8122522, Fax:+98 (0351) 6225720, E-mail: Kohsary@yazduni.ac.ir



کانی شناسی کانسارمس دره زرشک جنوب غرب یزد

امیرحسین کوهساری*، عبدالحمید انصاری، کمال علمدار

دانشکده مهندسی معدن و متالورژی دانشگاه یزد

(دریافت مقاله: ۸۷/۸/۲۷، نسخه نهایی: ۸۸/۲/۲۵)

چکیده: توده نفوذی لوکوگرانیته - گرانودیوریتی در منطقه دره زرشک و حاشیه شمال غرب باتولیت شیرکوه، سازند نای بند و سنگستان را قطع کرده و باعث دگرگونی ضعیف و کانی سازی گرماب مس در سازند نفوذپذیر سنگستان شده است. کانی های شاخص عبارتند از مگنتیت، کالکوپیریت، پیریت، بورنیت، کالکوسیت و دیژنیت. به طور کلی منطقه مورد بررسی از واحدهای تهنشستی از کرتاسه زیرین تا زمان ما تشکیل شده است که با گستره ای از سنگ های آتشفشانی و نفوذی قطع شده اند. نفوذ گرانیته های پورفیری میوسن در میان این واحدها به خصوص واحدهای آتشفشانی و آهک های کرتاسه باعث کانی زایی مس در نقاط مختلف این منطقه از جمله دره زرشک شده است. در دره زرشک چهار زون اکسید، آبشسته، برون زا و درون زا به ترتیب از سطح به عمق شناسایی شده اند. روند دگرسانی در دره زرشک با منطقه بندی مدل لاول و گیلبرت همخوانی دارد که شامل دگرسانی های پتاسیک، پروپیلیتیک و فلیک می شود. هدف از این کار پژوهشی تعیین کانی ها، بافت و چگونگی تشکیل کانسار دره زرشک است.

واژه های کلیدی: مس پورفیری، دره زرشک، برون زا، درون زا، لاول و گیلبرت.

مقدمه

ایرانی کانی فراوران، پی جویی های تفصیلی را با حفر گمانه و چاهک تکمیل و اقدام به برآورد ذخیره کرد. ذخیره به دست آمده از سوی این شرکت ایرانی بین ۲۶ تا ۳۰ میلیون تن با عیار مس ۰.۶۸ درصد برآورد شد. در سال ۱۳۸۱ با واگذاری کانسار دره زرشک به شرکت ملی صنایع مس ایران، و از اوایل سال ۱۳۸۲ عملیات حفاری سیستماتیک در منطقه شروع و هم اکنون به پایان رسیده و بررسی های فنی و اقتصادی معدن در حال انجام است [۱].

سنگ های گرانیته ای باعث رخدادها و ذخایر اسکارنی، پورفیری و رگه ای مس و آهن در جنوب غرب یزد شده اند [۱]، که کانسار مس دره زرشک از آن جمله است. کانی های شاخص این کانسار عبارتند از مگنتیت، کالکوپیریت، پیریت، بورنیت، کالکوسیت و دیژنیت. به طور کلی منطقه مورد بررسی از

کانسار مس دره زرشک در ۶۰ کیلومتری جنوب غربی یزد و ۴۵ کیلومتری جنوب غربی تفت در مسیر جاده تفت - شیراز با طول جغرافیایی $31^{\circ}38'$ شرقی و عرض جغرافیایی $53^{\circ}51'$ شمالی جای گرفته است. برای رسیدن به منطقه دره زرشک با حرکت از یزد به تفت و پس از گذر از تفت به شیراز به طول ۳۵ کیلومتر به معدن علی آباد و پس از طی ۱۰ کیلومتر دیگر به منطقه معدنی دره زرشک می رسیم.

به منظور پی جویی ذخایر مس دره زرشک، در اوایل سال ۱۳۴۹ قراردادی بین سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران و شرکت فرانسوی کوفیمین منعقد شد. بررسی های شرکت کوفیمین منجر به کشف و برآورد ذخیره ای در حدود ۲۳ میلیون تن با عیار متوسط ۰.۹ درصد مس (عیار حد ۰.۴ درصد) تا عمق ۱۵۶۵ متری شد. پس از آن در سال ۱۳۷۷ شرکت

* نویسنده مسئول، تلفن: ۸۱۲۲۵۲۲ (۰۳۵۱) ۹۸+، نامبر: ۶۲۲۵۷۲۰ (۰۳۵۱) ۹۸+، پست الکترونیکی: Kohgary@yazduni.ac.ir

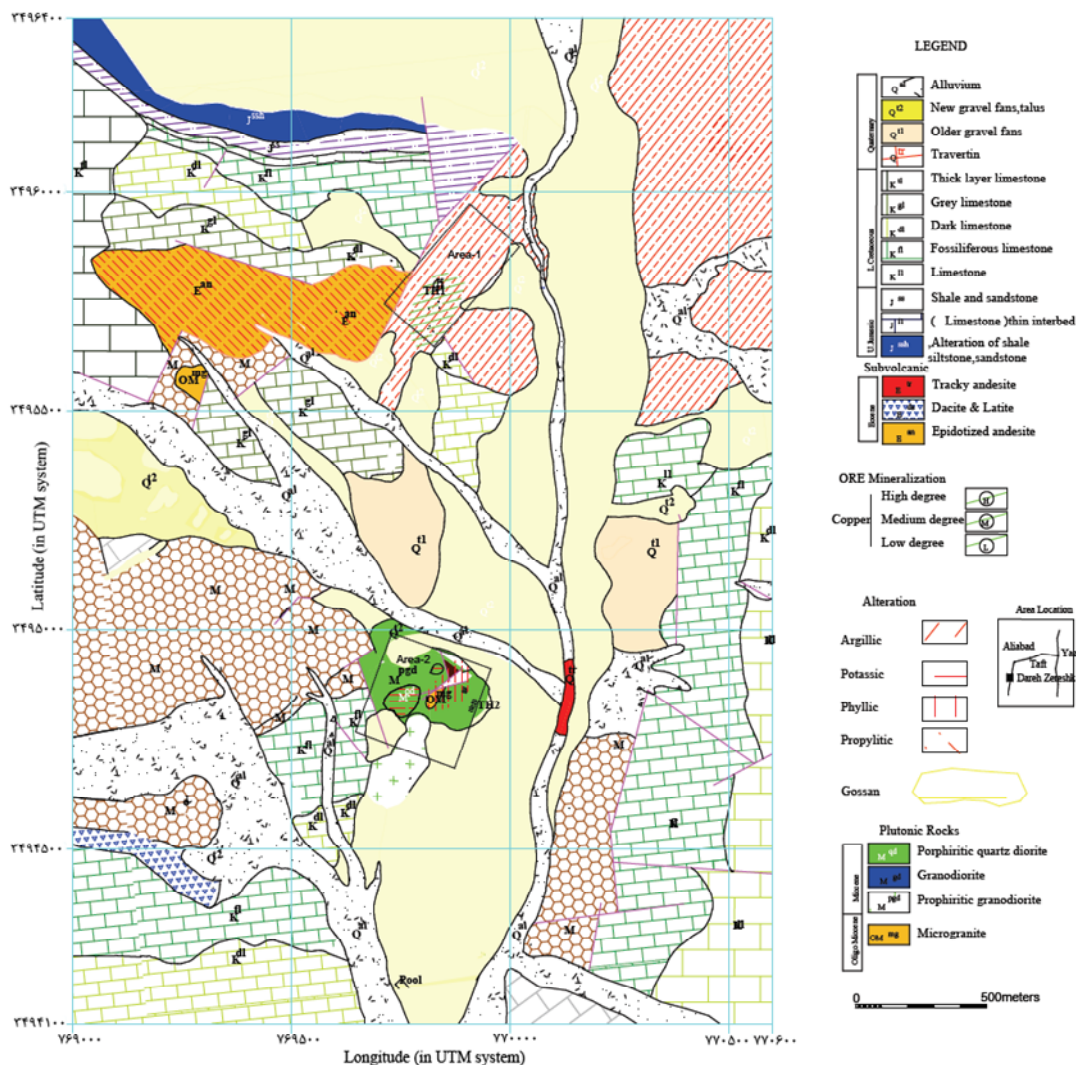
شیل‌های این سازند به وسیلهٔ باتولیت گرانیتی شیرکوه در ژوراسیک میانی قطع شده‌اند و دگرگونی ضعیفی در آنها رخ داده است. رخنمون این رویداد به خوبی در بخش غربی باتولیت شیرکوه دیده می‌شود [۲]. فرسایش باتولیت شیرکوه و پی سنگ میزبان پس از فاز کوهزایی کیمبرین فوقانی منجر به انباشت انبوهی از ماسه سنگ و کنگلومرای سرخ با عنوان سازند سنگستان در گودال‌های گسلی باتولیت در ژوراسیک بالایی - ابتدای کرتاسه شده است. سازند سنگستان به تدریج جای خود را به سنگ‌های آهکی اربیتولین‌دار کرتاسه زیرین با ضخامت زیاد به نام سازند تفت می‌دهد. برخوردگاه این دو سازند با باتولیت گرانیتی شیرکوه از نوع ناپیوستگی آذرین پی است (شکل ۱).

واحدهای ته‌نشستی از کرتاسه زیرین تا زمان ما را تشکیل داده‌اند که با طیف گسترده‌ای از سنگ‌های آتشفشانی و نفوذی قطع شده‌اند. نفوذ گرانیتوئیدهای پورفیری میوسن در میان این واحدها به خصوص واحدهای آتشفشانی و آهک‌های کرتاسه باعث کانی‌زایی مس در نقاط مختلف این منطقه از جمله درهٔ زرشک شده است.

این مقاله به کانی‌شناسی کانسارمس درهٔ زرشک جنوب غرب یزد می‌پردازد. هدف از کانی‌شناسی، تعیین نوع کانی‌ها، مقادرنسبی هر یک از آن‌ها، ساخت و بافت کانی‌ها و چگونگی تشکیل کانسارمس است.

زمین‌شناسی

قدیمی‌ترین واحد سنگی منطقه را سازند تخریبی نای بند به عنوان پی سنگ تشکیل داده است. ماسه سنگ‌های تیره و



شکل ۱ نقشه زمین‌شناسی منطقه درهٔ زرشک.

روند کلی این گسل شمال غرب- جنوب شرقی است و از ۲۰ کیلومتری شرق گستره مورد بررسی گذر می‌کند، علاوه بر گسل‌های اصلی هم روند با گسل دهشیر- بافت، گسل‌های عرضی عمود بر گسل اصلی نیز فراوانند.

روش بررسی

به منظور بررسی و ارزیابی منطقه مورد نظر، کارشناسان در دو مرحله به منطقه اعزام شدند. پس از بررسی‌های صحرایی و نمونه برداری از سنگ‌های منطقه به روش لببری (Chip- Channel) و نیز نمونه برداری از مغزه‌های به دست آمده از حفاری‌های، مقاطع نازک و صیقلی از سنگ‌ها تهیه شدند. از میان نمونه‌های برداشت شده تعداد ۵۰ نمونه انتخاب و پس از آماده‌سازی و تهیه مقاطع مورد نیاز، بررسی‌های سنگ‌شناختی و کانه نگاری روی آن‌ها انجام شده. همچنین از مغزه‌های موجود تعداد ۴۲ نمونه انتخاب و برای عیار سنجی مس در آزمایشگاه شرکت مس سرچشمه بررسی قرار گرفتند که نتایج آن در جدول ۱ آمده‌اند.

احتمالاً فازهای تأخیری تبلور باتولیت شیرکوه منجر به پیدایش توده‌های لوکوگرانیته - گرانودیوریتی در منطقه شده‌اند. این توده‌ها، سازند نای بند و سنگستان را قطع کرده و با یک دگرسانی ضعیف، کانی‌سازی گرمایی مس را در سازند نفوذپذیر سنگستان موجب شده است. ماگماتیسیم پس از کرتاسه به شکل توده‌های نفوذی کوچک در منطقه دره زرشک نیز سنگ‌های آهنی سازند تفت را مورد تهاجم قرار داده که رخداد اسکارن‌ها در منطقه از این خاستگاه است. در جنوب منطقه دو توده مستقل رخمون دارند که کنگلومرا - ماسه سنگ‌های سنگستان و ماسه سنگ‌ها و شیل‌های تریاس - ژوراسیک را قطع کرده‌اند و باعث شکل‌گیری دگرسانی‌های گرمایی با گسترش هاله‌ای بسیار کم شده‌اند. از این دگرسانی، سازندهای منطقه دستخوش دگرگونی ضعیفی شده‌اند و تنها اطلاق واژه شبه نهستی (Metasediment) به آن‌ها درست به نظر می‌رسد [۳].

گسل دهشیر- بافت مهم‌ترین عنصر ساختاری در منطقه به شمار می‌رود که ساختارهای دیگر را تحت تأثیر قرار داده است.

جدول ۱ نتایج آنالیز شیمیایی نمونه‌های به دست آمده از مغزه‌های حفاری.

نمونه مغزی حفاری فلز	CU(%)	CUO(%)	Mo(PPM)	AU(PPb)	نمونه مغزی حفاری فلز	CU(%)	CUO(%)	Mo(PPM)	AU(PPb)
۱	۰٫۳۶	۰٫۰۴	۶۱	۱۶	۲۲	۰٫۲۹	۰٫۱۵	۳۹	۹
۲	۰٫۱۵	۰٫۰۱	۱۸	۱۷٫۵	۲۳	۰٫۲۸	۰٫۰۴	۲۶٫۴	۱۹
۳	۰٫۱۶	۰٫۰۳	۲۳	۱۳	۲۴	۰٫۱۷	۰٫۰۵	-	۱۳
۴	۰٫۱۵	۰٫۰۲	۴۱	۱۵	۲۵	۰٫۲۹	۰٫۰۳	۵۲٫۱	۱۵
۵	۰٫۲۵	۰٫۰۳	۱۹	۱۹	۲۶	۰٫۱۸	۰٫۰۲	-	-
۶	۰٫۱۲	۰٫۰۲	۱۰	۱۷	۲۷	۰٫۴۲	۰٫۰۲	۱۶	-
۷	۰٫۱۱	۰٫۰۲	۱۸	۱۹٫۵	۲۸	۰٫۰۶	۰٫۰۳	۵۸	۱۳
۸	۰٫۱۰	۰٫۰۱	۱۰	۱۴	۲۹	۰٫۳۰	۰٫۰۱	۳۳٫۵	۱۲
۹	۰٫۲۶	۰٫۰۵	۵۱۷	۱۱٫۳	۳۰	۰٫۳۸	۰٫۰۲	۶۱	۱۵
۱۰	۰٫۲۵	۰٫۰۲	۵۳	۱۱٫۵	۳۱	۰٫۳۸	۰٫۰۶	۷۳	۱۱٫۳
۱۱	۰٫۲۲	۰٫۰۳	۷۳۸	۱۶	۳۲	۰٫۳۹	۰٫۱۹	۸۴	۱۴
۱۲	۰٫۲۰	۰٫۰۴	۲۹	۱۳	۳۳	۰٫۳۸	۰٫۰۹	۴۵٫۲	۵
۱۳	۰٫۲۶	۰٫۰۲	۵۷	۸۰	۳۴	۰٫۱۶	۰٫۰۳	۱۱٫۹	۶
۱۴	۰٫۱۸	۰٫۰۲	۴۶	۱۲	۳۵	۰٫۰۳	۰٫۰۳	۵۳	۸
۱۵	۰٫۴۴	۰٫۰۸	-	۱۸	۳۶	۰٫۳۱	۰٫۰۷	۲۹	۱۱
۱۶	۰٫۱۵	۰٫۰۲	-	۱۶	۳۷	۰٫۴۵	۰٫۰۴	۵۷	۹
۱۷	۰٫۱۷	۰٫۰۱	۳۱	۱۰٫۵	۳۸	۰٫۲۵	۰٫۰۵	۵۷	۱۱
۱۸	۰٫۰۷	۰٫۰۱	۲۸	۱۵٫۳۴	۳۹	۰٫۱۳	۰٫۰۱	۴۴	۹
۱۹	۰٫۳۷	۰٫۰۳	۶۵	۱۶٫۵	۴۰	۰٫۱۷	۰٫۰۱	۳۲	۹
۲۰	۰٫۴۱	۰٫۰۴	۳۷	۱۱	۴۱	۰٫۳۶	۰٫۰۴	۶۱	۹
۲۱	۰٫۴۱	۰٫۰۳	۳۵٫۷۵	۱۴	۴۲	۰٫۳۵	۰٫۰۴	۵۹	۹

سویدمورفیک یک کانی (از جمله آمفیبول) مشاهده می‌شوند.

کوارتز دیوریت‌ها

این سنگ‌ها با بافت دانه متوسط مشخص هستند. پلاژیوکلاز و کوارتز از کانی‌های اصلی این دسته از سنگ‌ها هستند. کانی‌های فرعی این گونه سنگ‌ها شامل ارتوکلاز، کانی‌های کدر، هورنبلند و بیوتیت است. اپیدوت و آپاتیت به صورت جزئی مشاهده می‌شود. بعضی از پلاژیوکلازها دارای منطقه‌بندی هستند (شکل ۲). ارتوکلاز با بافت میان روزنه‌ای (Interstitial)، فضای خالی بین پلاژیوکلازهای بزرگ را پر کرده است. تبدیل آمفیبول به بیوتیت از پدیده نادر این سنگ‌ها است.

گرانودیوریت‌ها

این دسته از سنگ‌ها با فراوانی کوارتز در کنار پلاژیوکلاز و بافت گرانولار مشخص هستند. ارتوکلاز، مسکویت، بیوتیت، کلریت و آمفیبول به صورت فرعی حضور دارند. پلاژیوکلازهای اسیدی در این سنگ‌ها عموماً به سرسیت و کائولینیت تجزیه شده‌اند به طوری که ماکل پلی تکراری آنها محو شده است [۵]. بیوتیت‌ها نیز کم و بیش به کلریت تجزیه شده‌اند. مسکویت در همراهی با کلریت بیشتر دیده می‌شود و ظاهراً حضور مستقل در سنگ دارد. در بعضی موارد، هم رشدی کوارتز و ارتوکلاز به طور محدودی بافت میکروگرافیک را ایجاد کرده است. آلیت به صورت رگچه‌ای نیز در این دسته از سنگ‌ها حضور دارد که همه آنها نشانگر هجوم شاره‌ای سدیم‌دار پس از تشکیل و انجماد این دسته از سنگ‌هاست.

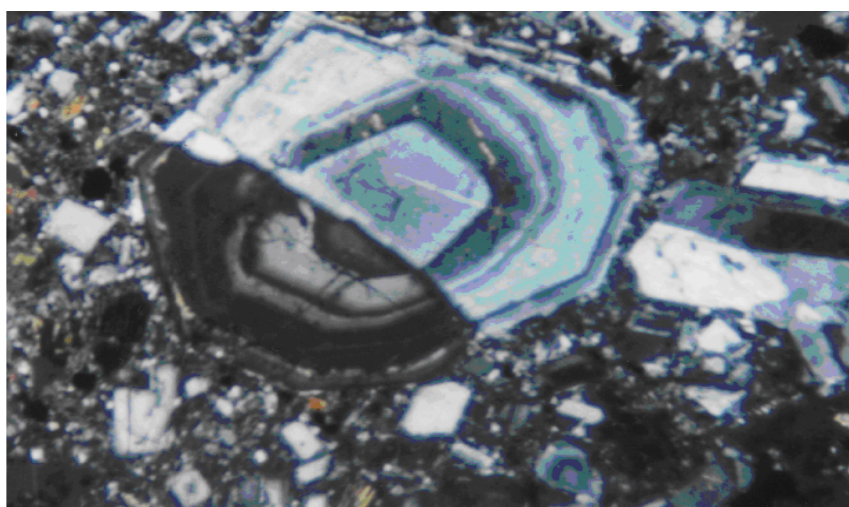
کانی‌شناسی و سنگ‌نگاری توده نفوذی بر اساس نمونه‌های از منطقه

توده‌های نفوذی منطقه دره زرشک کاملاً لوکوکرات هستند و ترکیب کانی‌شناسی آن‌ها از گرانیت تا گرانودیوریت در نوسان است. کوارتز، پلاژیوکلاز کانی‌های اصلی تشکیل دهنده توده نفوذی هستند. از کانی‌های فرعی موجود در توده نفوذی می‌توان ارتوکلاز، مسکویت، بیوتیت، کلریت و آمفیبول را نام برد. بافت گرانوفیری، مورتار، میکروگرافیک و گرانولار متوسط در توده نفوذی دیده می‌شود. کم و بیش دگرسانی و شکستگی فراوانی در این توده‌ها مشاهده می‌شود. بعضی از پلاژیوکلازها، منطقه‌بندی نشان می‌دهند [۴]. تبدیل آمفیبول به بیوتیت از پدیده‌های نادر این سنگ‌ها است. پلاژیوکلازهای اسیدی در این سنگ‌ها عموماً به سرسیت و کائولینیت تجزیه شده‌اند به طوری که ماکل پلی سنتتیک آن‌ها حذف شده است.

سنگ‌های آذرین این منطقه بیشتر به صورت توده‌های نفوذی کم عمق و نیمه‌عمیق با ترکیب اسیدی تا حد واسط شامل آندزیت، داسیت، کوارتز دیوریت و گرانودیوریت‌اند که مختصری از آن به شرح زیر است.

داسیت - آندزیت

کوارتز و پلاژیوکلاز از کانی‌های اصلی این دسته از سنگ‌هاست. بافت این سنگ‌ها پورفیروئید تا فلسوفیریک است، به این صورت که پلاژیوکلازهای بزرگ و گاهی خردشده در زمینه ریز دانه‌هایی از کانی‌های فلسیک (کوارتز و فلدسپار) مشاهده می‌شوند. سرسیت‌ها به صورت پراکنده در زمینه و یا به صورت



شکل ۲ پدیده (منطقه‌بندی) در پلاژیوکلازهای موجود در کوارتز دیوریت‌های منطقه.

ویژگی‌های صحرایی

در گستره مورد بررسی مناطق دگرسانی، فیلیک، آرژیلیک و پروپلیتیک حضور دارند. بیشتر کانی‌سازی در منطقه دگرسانی فیلیک، دیده می‌شود که عموماً به شکل کانی‌های کربناتی مس شامل مالاکیت و آزوریت است. کانه‌های سولفیدی نادرند و فقط آثار محدودی از آنها در بخش برشی شمال منطقه به صورت پیریت و کالکوپیریت قابل رویت است. در منطقه دگرسانی آرژیلیک آثار کانی‌سازی وجود ندارد ولی کانی‌سازی مالاکیت و آزوریت به طور محدود در منطقه دگرسانی

پروپلیتیک در شمال شرقی منطقه قابل رویت است. کانی‌سازی در سطح منطقه عموماً به شکل رگچه‌های ظریف (شکل ۳)، و محلی به شکل داربستی (شکل ۴) و بندرت به صورت پراکنده در متن سنگ‌ها (شکل ۵) دیده می‌شود. علاوه بر بررسی‌های انجام شده روی نمونه‌های سطحی که از زون اکسیدی این کنسار به دست آمده و مورد بررسی قرار گرفتند، نمونه‌هایی از مغزه‌های حفاری نیز تهیه شد که بررسی میکروسکوپی آنها، فراوانی کانی‌های کالکوسیت، کالکوپیریت و پیریت را نشان می‌دهد.



شکل ۳ رگچه‌های مالاکیت در نمونه‌های سنگی (آندزیت - داسیت) منطقه دره زرشک.



شکل ۴ شبکه داربستی از رگچه‌های اکسید آهن - مالاکیت در محل ترانشه در شمال شرق منطقه.



شکل ۵ آثار مالاکیت در متن سنگ‌های گرانیتی همراه با رگچه‌های کوارتز در منطقه دگرسانی فیلیک.

بافت و ساخت کانی سازی

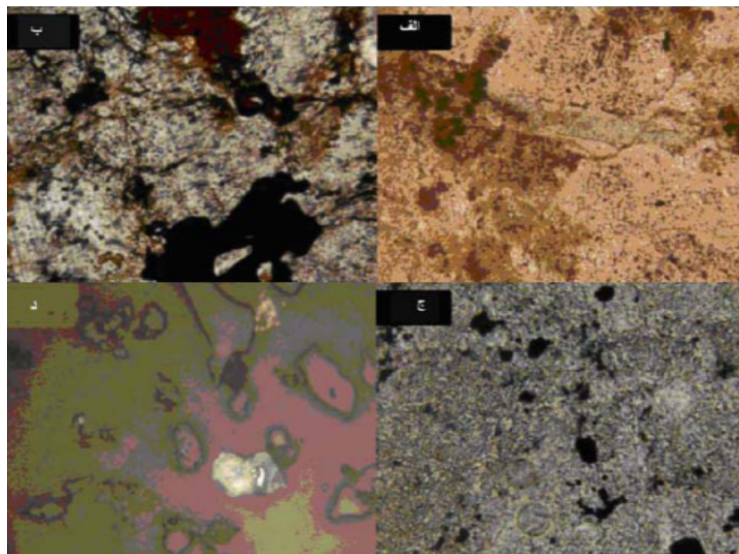
کانه‌های فلزی در سطح منطقه کم و نادرند. آثار مس بیشتر به صورت کانی‌های کربناتی است که درز و شکاف سنگ‌های گرانیتی و ته نشست را پر می‌کنند.

مالاکیت و آزوریت نیز همراه با اکسیدها و هیدروکسیدهای آهن وجود دارند و به صورت محلی و نادر آثار پیریت و سولفیدهای مس را می‌توان با چشم مسلح در متن سنگ‌ها مشاهده کرد. کانه نگاری نمونه‌هایی از سنگ‌های حاوی کانه‌سازی مس در منطقه دره زرشک نیز ضعف کانه‌سازی را به خوبی نشان داده است. به دلیل ضعف کانه‌سازی بافت آن‌ها چندان مشخص نیست. به هر حال در نمونه‌های بررسی شده،

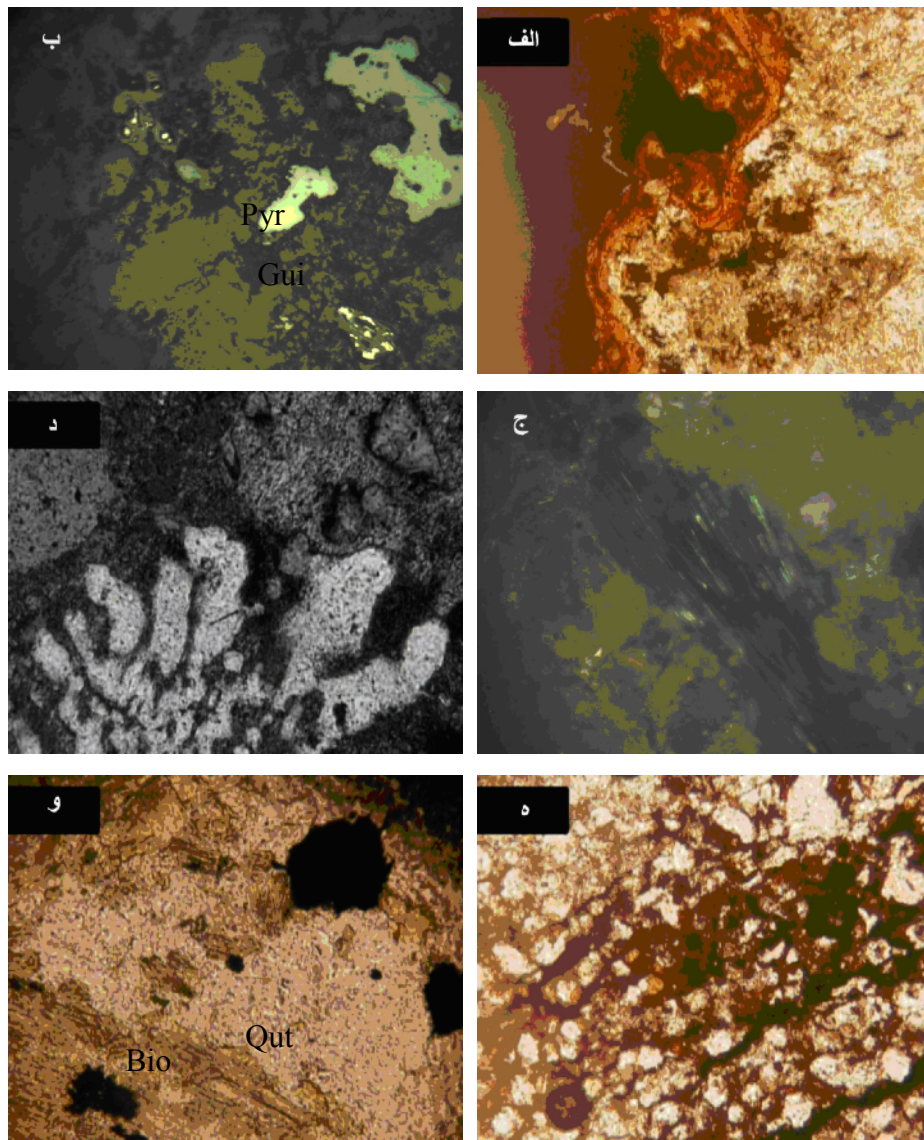
بافت اصلی کانه‌سازی از نوع پرکننده فضاهای خالی و درز و

شکاف‌های سنگ است (شکل ۷ الف). در برخی موارد شاید بتوان بافت پرکننده درزه و شکاف‌ها را از نوع رگه‌ای و داربستی دانست (شکل ۶ ب). بیشتر کانه‌های اولیه مثل اکسید تیتان، پیریت و کالکوپیریت با بافت پراکنده در متن سنگ دیده می‌شوند (شکل ۶ ج)

افزون بر بافت‌های یاد شده بافت جانشینی نیز در متن سنگ‌ها وجود دارند که به طور ثانویه پدید آمده‌اند. در بیشتر نمونه‌ها هیدروکسیدهای آهن که حاصل تجزیه پیریت یا کالکوپیریت‌اند با بافت جانشینی در بیشتر کانی‌های یاد شده دیده می‌شوند (شکل ۶ د).



شکل ۶ الف) (مالاکیت) به صورت پرشدگی در فضای خالی و گوتیت ناشی از پیریت درزمینه سیلیسی. ب) کانی‌های کدر (مگنتیت) و نیمه‌شفاف و بافت داربستی ج) کانی‌های کدر (مگنتیت) در اندازه‌های مختلف با بافت پراکنده (زمینه دگرسان شده است). د) کالکوپیریت، دیژنیت و پیریت باقی مانده به صورت درگیر.



شکل ۷ الف) مقطع نازک، ساخت کلوفرمی مربوط به گوتیت که در بخش میانی آن کانی کدر وجود دارد. ب) مقطع صیقلی. گوتیت که گاهی حاوی بقایای پیریت است. ج) مقطع صیقلی. مالاکیت در فضای شکستگی‌ها. د) کوارتز و فلدسپات با الگوی بین انگشتی. ه) اکسیدهای آهن با بافت داربستی در زمینه سیلیسی. و) دگرسانی بیوتیتی در خمیره کوارتزی.

پاراژنز کانی‌سازی

ترکیب کانه‌های فلزی ذخیره معدنی دره زرشک شامل کانه‌های اولیه، اکسیدهای تیتان، پیریت، کالکوپیریت و ایلمنیت (فقط در یک نمونه) است. در نتیجه فرایندهای ثانوی، بندرت کانه‌های سولفور مس (کولین و کالکوسیت) پیرامون کانی‌های اولیه یاد شده وجود دارد. همچنین کانه‌های کربناتی مس (مالاکیت و آزوریت) و هیدرو اکسید آهن نیز به طور ثانویه در این سنگ‌ها پدید آمده‌اند. مقدار کانه‌های فلزی در متن سنگ‌های مورد بررسی کمتر از ۵٪ حجمی سنگ بوده است.

اکسید تیتان فراوان‌ترین کانه اولیه است که به صورت شکل‌دار تا بی‌شکل با بافت پراکنده در تمام مقاطع وجود دارد. اندازه دهانه‌های آن از ۲۰ تا ۱۰۰ میکرون است و بندرت اندازه آن‌ها تا ۱۵۰ میکرون نیز می‌رسد. پیریت فراوان‌ترین کانه سولفوری منطقه است. این کانه به صورت شکل‌دار تا نیمه شکل‌دار با بافت پراکنده در بیشتر مقاطع وجود دارد. اندازه دانه‌های آن زیر ۱۰۰ میکرون است و به ندرت در برخی نمونه‌ها به ۲۰۰ تا ۶۰۰ میکرون هم می‌رسد. پیریت به صورت تک دانه‌های پراکنده اولیه یا بلورهای ثانویه در متن سنگ حضور دارد.

تشکیل شده‌اند، می‌توانند دارای بیش از ۶ کانی نوزاد باشند (هالیت، سیلوت، همتیت، کالکوپیریت و پیریت) [۶]. جدول (۲) توالی و مراحل کانی‌سازی را نشان می‌دهد.

زون‌های کانی‌سازی

با بررسی مقاطع صیقلی و نازک تهیه شده از مغزه‌های حفاری منطقه، چهار زون کانی‌سازی شامل زون اکسید، آبشستی، برون‌زا و درون‌زا تشخیص داده شدند که در ادامه به معرفی این زون‌ها خواهیم پرداخت.

زون اکسید

کانی‌های شاخص این زون گوئتیت، پیریت، کالکوپیریت، مالاکیت، آزوریت و بیوتیت است. گوئتیت با شکل‌های کلوفرمی خاص ناحیه اکسایش قابل مشاهده‌اند که از کانی اولیه بیوتیت ناشی شده‌اند (شکل ۷ الف، ب). مالاکیت و آزوریت به صورت پرشدگی در فضای شکستگی وابسته به ناحیه اکسایش دیده می‌شوند (شکل ۷ ج). از دیگر شواهد این زون وجود کوارتز و فلدسپات انگشت‌وار (Finger Like) است که در شکل (۷ د) دیده می‌شود. بافت این زون داربستی است و اکسیدهای آهن به صورت داربست در خمیره سیلیسی دیده می‌شوند. بررسی مقاطع نشان می‌دهد که دگرسانی این زون از نوع بیوتیتی شدن است که در خمیره کوارتزی صورت گرفته و گستره گسترده‌ای را در بر می‌گیرد.

کالکوپیریت مهم‌ترین کانه سولفور مس در کانسارهای پورفیری است که با فراوانی خیلی کمتر از پیریت قابل رویت است. این کانه با ابعاد زیر ۲۰۰ میکرون با بافت پراکنده در متن سنگ دیده می‌شود و عموماً در اثر دگرسانی به هیدروکسیدهای آهن تبدیل شده است و در اثر دگرسانی سوپرا بیشتر به کالکوسیت و کوولین بدل شده است. ایلمنیت با بافت پراکنده دیده می‌شود که در حال تجزیه به اکسید تیتان است. این کانه بدون شکل هندسی با ابعاد کمتر از ۲۰۰ میکرون در متن سنگ حضور دارد [۵، ۶].

مالاکیت و آزوریت نیز در متن بیشتر نمونه‌ها حضور دارند و بیشتر حفره‌ها و شکستگی‌ها را پر می‌کنند و در برخی مقاطع در متن سنگ آغشنگی ایجاد کرده‌اند.

طی نفوذ شماره حاوی مس ناشی از توده نفوذی با ترکیب داسیت- آندزیت در سازند نفوذپذیر سنگستان، کانی‌سازی بیشتری در زون درون‌زا رخ داده است. میانبارهای شماره کانسار از نظر دمای به دام افتادگی و درجه شوری تفاوت دارند و داده‌ها بیانگر این است که نهشت کانه‌ها در گستره دمایی ۱۵۰ تا ۶۰۰ درجه سانتیگراد از یک آبگون با درجه شوری پایین تا بالا (۷۳/۹wt%NaCl - ۱/۱) صورت گرفته است. میانبارهای شماره‌ای که از به دام افتادن شماره‌های اشباع از NaCl-KCl با کمی (CaCl₂) در فشاری معادل حداقل ۲۰۰ تا ۳۰۰ بار

جدول ۲ نشان دهنده توالی کانی‌زایی در کانسار مس دره زرشک.

کانی‌ها	زون اکسید و کربنات	زون درون‌زا	زون برون‌زا
مالاکیت	—————		
آزوریت	—————		
کالکوسیت		—————	
بورنیت		—————	
دیژنیت		—————	
کالکوپیریت		—————	—————
پیریت		—————	—————
مولیبدینیت		—————	
کوارتز			—————

زون آبشستی

دگرسانی غالب این زون سرسیتی است شکل (۸، الف). کانی‌های شاخص این زون پیریت، کالکوپیریت، اکسید مس (کوپریت)، بورنیت ثانویه و اسفالریت است. فراوانترین کانی در این زون پیریت است که به صورت شکلدار تا نیمه شکلدار در مقاطع قابل مشاهده است. پیریت اغلب به صورت پرکننده فضای خالی با نفوذی‌های ریزی از کانی اسفالریت و بورنیت دیده می‌شود شکل (۸، ب، ج، د).

زون برون‌زا

کانی‌های شاخص این زون دیژنیت، کالکوزین، پیریت، کالکوپیریت و مولیبدینیت است. کالکوپیریت با هاله‌هایی از سولفور و اکسید و نیز به صورت دگرسان شده به دیژنیت مشخص است. در این زون پیریت به صورت تراشه‌ای از دیگر کانی‌ها متمایز است (شکل ۹).

زون درون‌زا

کانی‌های شاخص این زون پیریت، کالکوپیریت است. در بیشتر موارد کالکوپیریت به صورت درگیر با دیژنیت یافت می‌شود که این حاصل جاننشینی کالکوپیریت و وابسته به زون انتقالی است. بافت کانی‌سازی در این زون داربستی است (شکل ۱۰).

دگرسانی

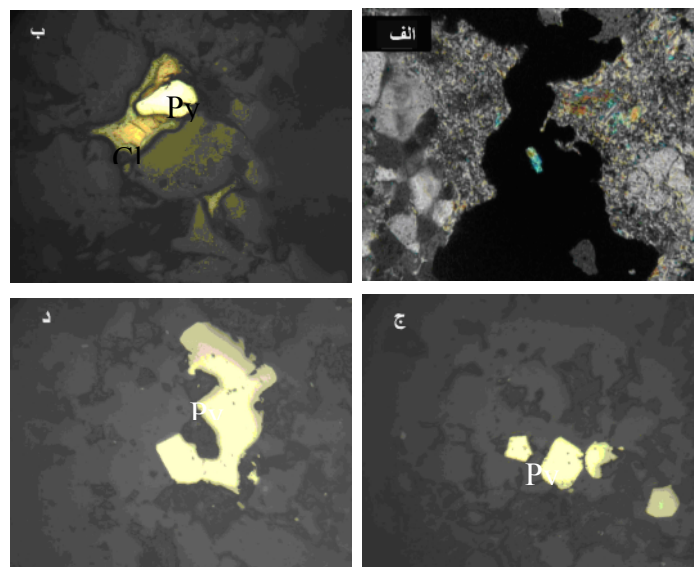
روند یا دگرسانی در دره زرشک با منطقه‌بندی ارائه شده توسط لاول و گیلبرت همخوانی دارد [۷، ۸] با توجه به بررسی‌های صحرایی، کانی‌شناسی و سنگ‌شناسی در توده مس دره زرشک

که ترکیب گرانودیوریتی دارد دگرسانی‌های زیر قابل مشاهده است:

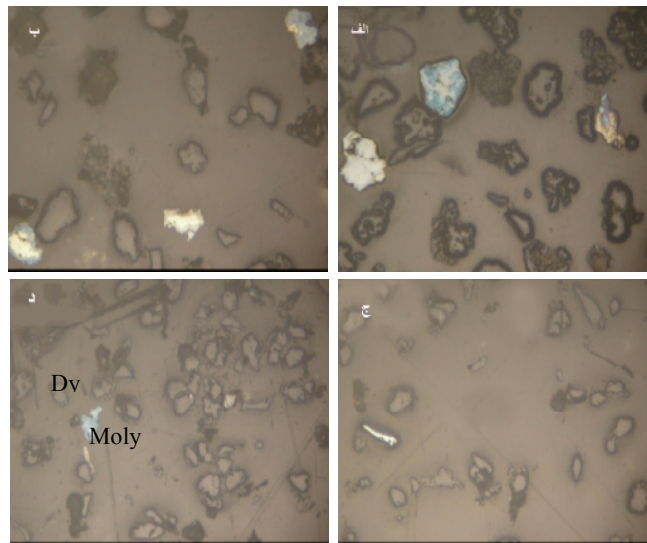
۱) دگرسانی پتاسیک که با پیدایش فلدسپات‌های ثانویه روی پلاژیوکلازها و تشکیل بیوتیت ثانویه روی بیوتیت‌های اولیه و یا هورنبلندها مشخص می‌شود [۹]. کمترین پیشروی و شدت دگرسانی در تبدیل هورنبلند به بیوتیت دیده می‌شود. با شدت گرفتن پیشروی دگرسانی، بیوتیت‌های اولیه در لبه‌ها و در راستای شکاف‌ها به بیوتیت ثانویه تبدیل شده‌اند. کانی‌های سولفیدی در این دگرسانی پیریت و کالکوپیریت است.

۲) دگرسانی پروپیلیتیک: بر اساس شواهد صحرایی و بررسی مقاطع نازک دگرسان نوع پروپیلیتیک در منطقه عمومیت دارد و گسترش زیادی را نیز شامل می‌شود و تقریباً در سطح منطقه آثار آن را می‌توان با مشاهده کانی‌های کلریت، اپیدوت، کلسیت و کوارتز در سنگ‌ها مشاهده کرد.

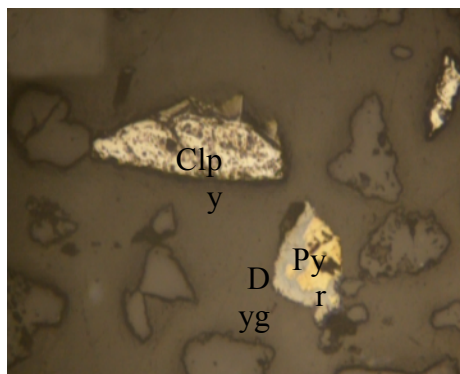
۳) دگرسانی فیلیک که در توده مورد بررسی فرایندی تأخیری بوده و بر روی دیگر دگرسان‌ها قرار می‌گیرد. همه سیلیکات‌های سنگ به سرسیت برگشته‌اند. فلدسپات‌های سالم از دگرسانی پتاسیک در این جا به سرسیت تبدیل شده‌اند و این در حالی است که فلدسپات‌های پتاسیک ثانویه در برابر این دگرسانی پایدارتر هستند. پدیده سرسیتی شدن، بیوتیت‌های اولیه را دگرسان کرده است ولی بیوتیت‌های ثانویه به کلریت دگرسان شده‌اند که این فرایند به فراوانی دیده می‌شود. کوارتز و کالکوپیریت نیز در حوالی این دگرسانی وجود دارد. [۱۰]



شکل ۸ الف) مقطع نازک، انباشت کانی‌های کوارتز، سرسیت و پیریت که بیانگر دگرسانی سرسیتی است. ب) مقطع صیقلی، انباشت کانی‌های اکسید مس، پیریت و کالکوپیریت در زون آبشستی. ج) پیریت شکلدار در زون آبشستی د) پیریت با بافت پرکننده فضای خالی با نفوذی‌هایی از اسفالریت.



شکل ۹ الف) انباشت کانی‌های دیژنیت و کالکوزین به صورت کانی‌های شاخص زون برون‌زا. ب) مقطع صیقلی. کالکوپیریت با هاله‌هایی از سولفور (گوشه بالا سمت راست)، اکسید (پایین مرکز) و دگرسان شده به دیژنیت (پایین سمت چپ). ج) پیریت به صورت تراش‌های در زون برون‌زا. د) همراهی کانی دیژنیت با کانی مولیبدینیت.



شکل ۱۰ مقطع صیقلی پیریت، کالکوپیریت و دیژنیت.

آنالیز نمونه‌ها

چنانکه که گفته شد برای تعیین عیار مس تعدادی نمونه از مغزه‌های حفاری تهیه و به آزمایشگاه مس سرچشمه فرستاده شدند. نخست نمونه‌ها با روش XRD آنالیز شدند که بدلیل بالا بودن خطا از این روش چشم پوشی کردیم. در مرحله بعد نمونه‌ها با روش جذب اتمی (AA) دوباره آنالیز شدند که نتایج آن برای تمامی عناصر جز مولیبدن در حد قابل قبولی است. برای تعیین غلظت عنصر مولیبدن از روش DCP استفاده شد (جدول ۱).

برای تعیین عیارسنجی طلا، ۱۷۵ نمونه به آزمایشگاه AMDEL ارسال شدند که این داده‌ها عیار متوسط ۱۴ ppb را

نشان می‌دهند، عیار بیشینه ۸۰ ppb فقط در یک نمونه مشاهده شد و از اعتبار چندانی برخوردار نیست، مقادیر در حدود ۲۰ ppb گسترش بیشتری دارند ولی این عیارها با توجه به محیط سنگی برداشت نمونه و گسترش نسبتاً کم، ارزش چندانی را ندارند.

برداشت

بخش کنگلومرایی سازند سنگستان به سبب نفوذپذیری بالای خود میزبان کانی‌سازی گارنت به روش اسکارن‌سازی بوده است. تشکیل کانسارمس دره زرشک ناشی از جایگیری یک استوک پورفیری با ترکیب کوارتز دیوریت تا گرانودیوریت است. کانه‌زایی

- گزارش طرح پژوهشی مصوب دانشگاه یزد، (۱۳۷۵) ۲۲۰ صفحه.
- [۲] کوهساری ا.ح.، میردهقان س.ک.، مکی زاده م.ع.، "مطالعات کانی شناسی پدیده های متاسوماتیک در چندی از رخدادهای اسکارنی استان یزد" گزارش نهایی طرح پژوهشی مصوب دانشگاه یزد، (۱۳۸۴).
- [۳] گزارش نهایی طرح اکتشاف کانسار مس دره زرشک. سازمان صنایع و معادن استان یزد، ۴۲۰ صفحه
- [۴] کوهساری ا.ح.، میردهقان س.ک.، علمدارک.، "مطالعات کانی شناسی کانسار مس دره زرشک جنوب غرب یزد" پانزدهمین همایش انجمن بلورشناسی و کانی شناسی ایران، دانشگاه فردوسی مشهد، (۱۳۸۶) ص ۲۸۴-۲۸۷.
- [۵] کوهساری ا.ح.، میردهقان س.ک.، مکی زاده م.ع.، "مطالعه کانی شناسی و دگرسانی های هیدروترمال در کانسار مس دره زرشک علی آباد (تفت- یزد)"، گزارش نهایی طرح پژوهشی مصوب دانشگاه یزد، (۱۳۸۶) ۱۱۸ صفحه.
- [۶] لیاقت س.، حسینی م.، زراسوندی ع.، "مطالعه ژئوشیمی میانبارهای سیال کانسار مس پورفیری دره زرشک"، چهاردهمین همایش انجمن بلورشناسی و کانی شناسی ایران، بیرجند، (۱۳۸۵) ص ۳۰۲-۳۰۹.
- [7] Zarasvandi A., Liaghat S., Zentilli M., "Geology of the Darreh-Zerreshk and Ali-Abad porphyry copper deposit, central Iran", international Geology Reviews, 40 (2004) (In press).
- [8] Einaudi M.T., "Introduction terminology, Classification, & Composition of skarn deposits", Econ. Geol., 77 (1982) 745-754.
- [9] Lowell J.D., Guilbert J.M., "Lateral and vertical alteration mineralization zoning in porphyry ore deposits", Economic Geology, 65 (1970) 373-408.
- [10] Beane R.E., Bodnar R.J., "Hydrothermal fluids and hydrothermal alteration in porphyry copper deposits", porphyry copper Deposits of American Cordillera, Tucson, Arizona, Arizona Geology Society, Arizona. 7 (1995) 83-93.

و دگرسانی نیز ناشی از نفوذی های چندگانه در یک گستره سنی از ۱۵ تا ۱۷ (±۲ میلیون سال) است. بررسی های انجام شده بر روی مقاطع نازک و صیقلی در توده نفوذی، هاله های دگرسان و زون های کانه دار منطقه دره زرشک نشان می دهد که توده نفوذی دارای ترکیبی از دیوریت تا گرانودیوریت است و کاهش میزان کانی هورنبلند مبین این است که بیشتر کانی سازی مس به صورت رگچه ای و افشان در درون توده نفوذی رخ داده است. الگوی دگرسانی در کانسار مس دره زرشک با مدل ارائه شده توسط لاول و گیلبرت همخوانی دارد و از عمق به سطح عبارت است از: پتاسیک، فیلیک، آرژیلیک و پروپیلیتیک که دگرسانی پروپیلیتیک گسترش قابل توجهی دارد. کانی سازی در زون های اکسیدی، آبشستی، برونزایی و درون زایی به صورت نایکناخت دیده می شود و با کانی های شاخصی چون کالکوپیریت، پیریت، بورنیت، کالکوسیت و دیژنیت شناخته می شوند. مس و گوگرد به طور معمول در انواع دگرسانی ها زیاد است، ولی نسبت Cu/S به طور چشمگیری در زون پروپیلیتیک نسبت به زون پتاسیک و فیلیک کم می شود. زون اکسید از سطح تا عمق حدود ۴۰ متری ادامه دارد و با کانی های پیریت، کالکوپیریت و کربنات های مس از دیگر زون ها متمایز می شود. مالاکیت و آزوریت در متن بیشتر نمونه ها حضور دارد و بیشتر سوراخا و شکستگی ها را پر می کند. در تمام حفاری چهار زون بالا مشاهده می شوند ولی به غیر از زون اکسید که تقریباً از ضخامت ثابتی برخوردار است، بقیه زون ها دارای ضخامت های مختلفی هستند. وجود کانی دیژنیت (به عنوان کانی شاخص زون برونزا) در زون درونزا حاصل از جاننشینی کالکوپیریت و مربوط به زون انتقالی است. اکسیدهای تیتان که در اثر دگرسانی ایلمنیت ها به طور ثانوی شکل گرفته اند نیز با بافت جاننشینی در کنار ایلمنیت های اولیه دیده می شوند. کولین و کالکوسیت بیشتر در اثر دگرسانی کالکوپیریت به وجود آمده و با بافت جاننشینی در کنار کالکوپیریت های اولیه قرار گرفته اند.

مراجع

- [۱] کوهساری ا.ح.، مکی زاده م.ع.، "پتروگرافی و ژئوشیمی سنگ های آذرین و آلتراسیون آن ها در زون گسلی دهشیر"،